هوالابهی - ای ثابتان ای راسخان نور هويّت چون در افق…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٣

### هوالابهی

ای ثابتان ای راسخان نور هويّت چون در افق احديّت طلوع و اشراق نمود تجلّی وحدانيّت اشراق کرد و مشارق و مطالع وجود به فيض شهود روشن و منوّر گرديد . شمس حقيقت چنان تابش و اشراقی فرمود و ابر رحمانيّت چنان ريزش نمود که اراضی کينونات که مزرعهٔ پر انبات بود به اسرار ماکان و ما يکون حامله گشت. آن اسرار در هويّت و حقيقت ارض وجود موجود و مخزون و به حسب استعداد امکان برويد و سبزی چمن و ريحان و ياسمين و سوسن گلشن گردد. حال نفوسی که همس و نفسشان چون سرمای دی و زمستان است در اطراف و اکناف با اوراق شبهات منتشر که شايد به برودت شديد نقض اراضی قلوب را افسرده نمايند و آن بذرهای حکمت الهيّه که وديعهٔ رحمانيّه است معدوم و فاسد گردد. هيهات هيهات زيرا حرارت نار ميثاق چنان شعله به ‌آفاق زده که هر ثلج و يخ دقيقه‌ای مقاومت نتواند و هذا هو الحقّ. پس ای دوستان الهی کمر خدمت بر بنديد و به نار موقدهٔ الهيّه چنان برافروزيد که شرق و غرب را روشن و منوّر نمائيد تا هر ناقضی در گريز باشد و هر متزلزلی در پرهيز و اين موهبت منوط به ‌اتّفاق و اتّحاد و يگانگی احبّای الهی. دوستان آن سامان چنان بايد سر مست بادهٔ اتّحاد گردند که حکم يک بحر پيدا کنند هر چند امواج متعدّد است ولی بحر بحر واحد تعدّد مانع وحدت نه. الحمد لله کلّ از يک شمس مستشرقيد و جميع از يک نور مستنير از يک جام سرمستيد و در يک ميخانه می پرست آشفتهٔ روی يک دلبريد و شيفتهٔ خوی يک مه‌ رو از يک چشمه مينوشيد و از يک شهد ميچشيد ولی بايد عموم کمال رعايت را در حقّ حضرات سابقين ايادی مجری دارند زيرا اين نفوس محلّ ظهور الطاف و احسان و اکرام جمال مبارکند. ع ع

